



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

با عوامل استحکام خانواده آشنا شویم

خانواده خوشبخت

عده‌ای ازدواج را کار ساده و پیش پا افتاده‌ای می‌دانند، زیرا دختران و پسران با گرایشهای طبیعی و فطری خود به سمت ازدواج کشیده می‌شوند.

این عده معتقدند که اگر تشریفات زاید اجتماعی، آداب و رسوم غلط قومی و محلی و سخت‌گیریها در تعیین مهریه و دریافت شیریه

مجید رشید پور

می‌خورند؟ علل و عوامل استحکام خانواده‌ها کدام است؟ زیرا تردیدی نداریم که این‌گونه آگاهیها در اصل تشکیل خانواده و ارتباط زن و شوهر با یکدیگر و استحکام خانواده، مفید و سازنده است.

همه می‌دانیم کسانی که شغل معلمی را انتخاب می‌کنند بناچار باید دوره تربیت معلم را بگذرانند تا با نحوه تدریس، ارتباط با شاگرد و حل مشکلات آنان آشنایی پیدا کنند و به بیان فشرده فوت و فن معلمی را بیاموزند. بی‌شک معلمی که چنین دوره‌ای را ندیده باشد، حتی با دارا بودن هوش و استعداد معلمی، هرگز نمی‌تواند معلم موفق باشد.

مربیان، پدران و مادران، و همچنین مؤسساتی که مسؤلیت آموزش خانواده‌ها را به عهده دارند، بخوبی می‌توانند آگاهیهای ضروری را در اختیار پسران و دختران جوان از دواج ناکرده قرار دهند.

نکته دقیق و حساس آنکه دیدگاه دختران و پسران در باره ازدواج به طور طبیعی بسیار سطحی و تخیلی است و از واقعیت‌های زندگی خانوادگی اطلاعات کافی ندارند. این رسالت پدران و مادران است که واقعیت‌های زندگی مشترک را به‌طور عینی برای آنان بازگو کنند، تا با خامی و ناآگاهی اقدام به ازدواج ننمایند.

همچنین باید به دختران و پسران گوشزد کرد که با همه دقت‌هایی که در انتخاب همسر مبذول می‌شود مع‌هذا زوجین با ویژگیهای ارثی گوناگون، با دو نوع تربیت مختلف و در دو محیط تربیتی متمایز از یکدیگر رشد و پرورش یافته‌اند و بناچار در بعد سلیقه‌ها و منتهای خلقی از یکدیگر متمایز خواهند بود. بنابراین وقوع اصطکاک بین دختر و پسر پس از تشکیل

از میان برداشته شود، پیوند دختر و پسر به‌طور سهل و ساده انجام می‌گیرد و جوانان از آفتهای دوره جوانی برکنار می‌مانند.

محتوای برخی از روایاتی که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده، حاکی از آن است که اگر پدران و مادران در مورد ازدواج و انتخاب داماد سخت‌گیرهای افراطی اعمال کنند و دختران را از ازدواج باز دارند، همه گناهان و تباهی‌هایی که بر اثر عدم ازدواج تحقق می‌یابد بر عهده بزرگترها خواهد بود.

بدیهی است که خانواده‌ها باید با بررسی و شناخت دقیق دختر و پسر، در امر ازدواج اقدام کنند، اما این بدان معنی نیست که به اشکال تراشی‌های بی‌مورد بپردازند و جوانان را از تشکیل خانواده محروم سازند. ما این نظریه را تأیید می‌کنیم، زیرا اساساً دین اسلام آیین سهل و ساده‌ای است که از همه دشواریها و سخت‌گیرها بیزار است و سادگی و بی‌آلایشی را می‌پسندد. خداوند متعال در برخی از آیات قرآن مجید می‌فرماید: در آیین اسلام دشواری و سختی وجود ندارد.

نکته بسیار دقیق و اساسی که حتماً باید پیرو نظریه آسان‌طلبی و سهل و ساده‌تلقی کردن ازدواج به آن اشاره کرد این است که هر پیوند ازدواجی لزوماً موجب سعادت و خوشبختی دختر و پسر نمی‌گردد، بلکه هزار نکته باریکتر از مو در اینجا وجود دارد.

به اعتقاد ما نکته مهم این است که دختر و پسر قبل از ازدواج باید در ارتباط با زندگی خانوادگی آگاهیهای لازم را به‌دست آورده باشند. به عبارت دیگر آنان باید بدانند که هدف از ازدواج چیست؟ ازدواج‌های موفق کدامند؟ چرا بعضی‌ها در زندگی مشترک شکست

بنابراین گذشت و چشم پوشی از برخی تمایلات در زندگی مشترک موجب توفیق در زندگی خانوادگی خواهد بود.

با توجه به مقدمات ذکر شده به خوبی آشکار می شود که یکی از عوامل سعادت و خوشبختی خانواده ها اجتناب از یک دندگی و لجاجت است. تجربیات زندگی نشان می دهد که هر قدر خانواده ها از نظر فرهنگی و بینش عقلی فقیرتر باشند، استبداد رأی و یک دندگی و کله شقی در محیط خانوادگی بیشتر به چشم می خورد و برعکس در خانواده هایی که از نظر علمی و فرهنگی در سطح بالاتری قرار دارند به جای استبداد و یک دندگی، شور و مشورت و همفکری حاکمیت دارد و در این گونه خانواده ها حتی فرزندان کوچک خانواده دارای نظر و رأی مستقلی بوده، بزرگترها به نظریات آنان احترام می گذارند. بدیهی است در چنین خانواده هایی رشد فکری در کودکان سریع تر انجام می پذیرد.

در روایات اسلامی چنین آمده است که وقتی دختر پیامبر اسلام حضرت زهرا سلام الله علیها در بستر بیماری افتاده بود، دوتن از صحابه پیغمبر خواستار دیدار و عیادت او شدند، اما دختر پیامبر اسلام رخصت این دیدار را نمی داد. در فرصتی علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: من پذیرفته ام که تو به آنان اجازه ملاقات دهی. فاطمه سلام الله علیها در پاسخ گفت: خانه، خانه شمامست.^۳

همین نمونه کوچک از همفکری و مشورت فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام در محیط مشترک خانوادگی باید به عنوان الگو و سند مورد اقتباس همه خانواده های مسلمان قرار گیرد.

زندگی مشترک حتمی و اجتناب ناپذیر خواهد بود. زن و شوهرهای جوان باید بدانند که زندگی خانوادگی همواره توأم با خوشی و توافق نیست و در آن تلخی و تندی و سختی نیز وجود دارد. در پرتو این راهنماییهای مفید، جوانان اعم از دختر و پسر از عالم خیال بیرون آمده، با واقعیت های عینی زندگی آشنایی پیدا می کنند. همه می دانیم که اتومبیل وسیله خوبی برای نقل و انتقال است، ولی بدون تردید تا کسی از فنون رانندگی اطلاع و آگاهی نداشته باشد نمی تواند از این وسیله استفاده کند و اگر بدون آگاهیهای لازم بخواهد از اتومبیل بهره بگیرد، هلاکت خود و نابودی این وسیله را فراهم خواهد آورد. از این مثال نتیجه می گیریم که اداره زندگی خانوادگی هم یک نوع هنر و فن است. کسانی که قبلاً از آگاهیهای ضروری برخوردار باشند در تشکیل خانواده موفق تر و کامیاب تر خواهند بود.

تعدیل خواستها و توقعات دختران و پسران پس از ازدواج

همه کسانی که به تشکیل خانواده مبادرت می کنند به این نکته وقوف دارند که در زندگی مشترک خانوادگی باید خواستهای زن و مرد تعدیل شود تا کانون خانوادگی از تفاهم و صمیمیت برخوردار باشد. اگر دختران و پسران پس از ازدواج همچنان بخواهند تمام تمایلاتشان برآورده شود، بدون تردید درگیری و اصطکاک میان آنان به وجود خواهد آمد.

پیامبر اسلام در فرازی فرمودند: اعقل الناس اشد هم مداراة للناس^۲ - خردمندترین مردم کسانی هستند که با مردم بیشتر سازگاری دارند.



علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: دلهای آدمیان همیشه خوش نیست، بلکه در مواردی دارای اقبال است و در برخی زمانها گرفته و ملول می باشد.

یکی از رسالتهای اخلاقی زنان و مردان این است که در انجام خواستههای خود روحیات و آمادگیهای همسران خود را در نظر بیاورند، زیرا وقتی فردی از نظر جسمی و روحی آمادگی انجام کاری را نداشته باشد به نقد و انتقاد از آن خواهد پرداخت و همین ایراد گرفتنها صمیمیت خانوادگی را خدشه دار خواهد کرد. بنابراین زن و مرد باید پس از احراز آمادگی و شرایط لازم در محیط خانوادگی به بیان تقاضا و درخواست خویش پردازند.

منابع:

- ۱- سفینه البحار، باب نکاح، صفحه ۶۱۰
- ۲- سفینه البحار، باب درء، صفحه ۴۴۲
- ۳- زندگانی حضرت فاطمه زهرا، تألیف دکتر سید جعفر شهیدی، صفحه ۱۵۵
- ۴- نهج البلاغه، ماده اقبال و ادبار، صفحه ۴۵۶

بدون تردید زن و مرد در محیط خانوادگی از یکدیگر تقاضاهایی دارند. به عنوان مثال مرد خانه از همسرش می خواهد که به دیدار بستگان او بروند و همچنین زن از مرد خانه تقاضا می کند که در مهمانی خاصی حضور یابند.

در این گونه موارد زن و مرد هر دو باید از روان شناسی بهره بگیرند و موقعیت طرف مقابل را در نظر گرفته، پس از احراز زمینه های مساعد به بیان پیشنهاد خود پردازند و در وقت طرح پیشنهاد خود نیز از هرگونه تحمیل و زور کاملاً اجتناب کنند. بدیهی است هرانسانی در برابر تحمیل و زور به طور ناخود آگاه به مقاومت می پردازد.

همه ما باید به خاطر داشته باشیم که انسانها جزء کوچکی از کل نظام هستی اند و وقتی جهان هستی را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم در می یابیم که انجام هرکاری در هر دوره و زمانی امکان پذیر نیست. به عنوان مثال عالی ترین تربیتها در دوره خردسالی و کودکی امکان پذیر است، برف و باران در فصول خاصی می بارد، نهال کاری در زمان معینی صورت می گیرد، هر زمینی برای هر نهالی آمادگی ندارد، هرکسی برای انجام کار خاصی توانایی دارد، هواپیماها در هر زمان و هر ساعتی نمی توانند پرواز کنند و سرانجام انجام هرکار و هر برنامه ای وابسته به شرایط و آمادگیهای قبلی است. براین اساس زنان و مردان نباید انتظار داشته باشند که همسرشان در هر شرایط و هر زمانی آمادگی مهمانی رفتن و یا پذیرایی از دیگران را دارا باشد.